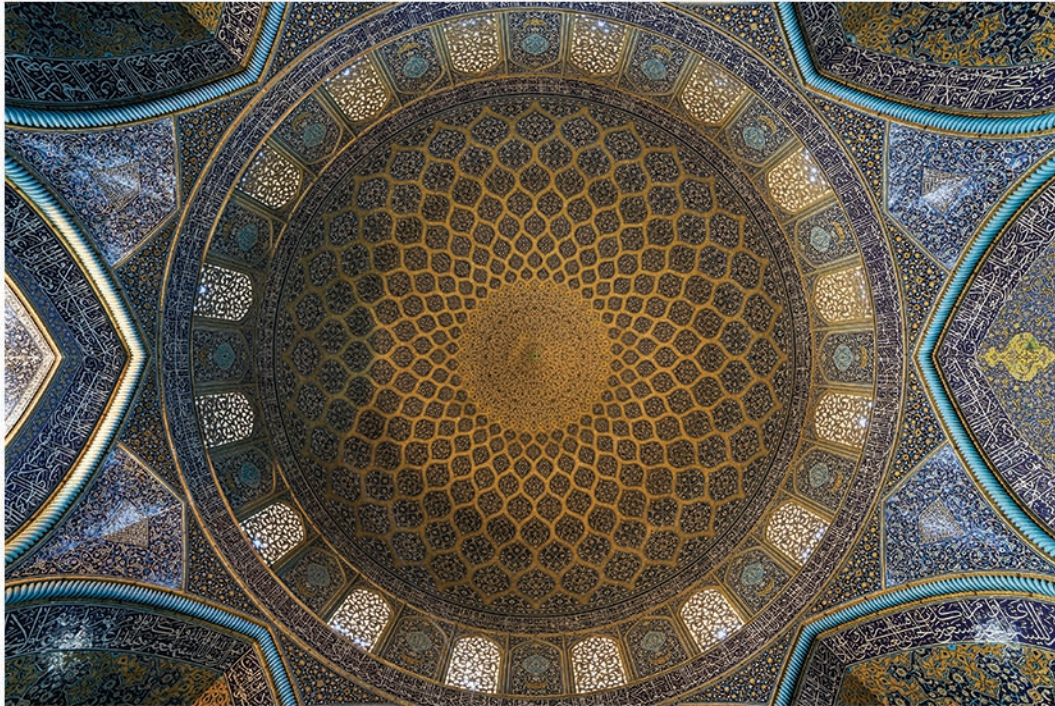


# مطالعات معماری ایران ۱۱

دوفصلنامه علمی پژوهشی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶



♦ مطالعه کارکرد سازه آبی حصار سوم محوطه باستانی چغازنبیل با مطالعه میدانی و مدلسازی هیدرولیکی - هیدرولوژیکی

♦ پرتانی، حیدری

♦ بازخوانی «الگوی فضای میانی» در معماری ایران زمین

♦ رنجبر کرمانی، ملکی

♦ عوامل کالبدی موثر بر ادراک تراکم در محیط های مسکونی

♦ پوردیهیمی، مدنی، موسوی نیا

♦ تأملی در مفهوم و ارزش خلاقیت: ارزش خلاقانه معماری مبتنی بر الگو

♦ ممتحن، حجت، ناری قمی

♦ آفرینش معماری به روش قیاس با طبیعت

♦ فیضی، علیپور، محمد مرادی

♦ گونه شناسی تحلیلی مساجد حوزه فرهنگی کردستان ایران

♦ خادمزاده، معاریان، صلواتی

♦ صورت ایوان در معماری ایرانی، از آغاز تا سده های نخستین اسلامی

♦ رضائی نیا

♦ تحلیل اصول فضایی و الگو گزینی بهینه در معماری الگو گرای معاصر ایران، بررسی ساختمان میراث فرهنگی کشور

♦ حمزه نژاد، رادمهر

♦ حفاظت معماری و نسبت آن با تاریخ معماری، با نگاه به تجربه حفاظت در ایران

♦ نیک زاد، ابونئی

♦ گونه شناسی مساجد بلوچستان ایران، از دوره قاجاریه تا معاصر

♦ باسیان خمیری، رجبعلی، رونده

♦ یادداشت فنی: سرمایه های اجتماعی در حفاظت شهری شهر تاریخی نراق

♦ مرادی نراقی

## سرمایه‌های اجتماعی در حفاظت شهری شهر تاریخی نراق

محمود مرادی\*

نراق شهری است در نزدیکی شهرستان دلیجان واقع در استان مرکزی با پیشینه سکونت چهارهزارساله و شهرنشینی بیش از هزار سال. در حال حاضر، این شهر نزدیک به ۳۰۰۰ نفر جمعیت بومی و ۳۵۰۰ نفر جمعیت دانشجویی دارد. نراق از نظر موقعیت جغرافیایی، در طول جغرافیایی ۵۰/۸۳۹۸۲۵۲۸ و عرض جغرافیایی ۳۳/۰۹۶۰۳۳ با ارتفاع ۱۷۰۰ متر از سطح دریا قرار دارد. مساحت کل شهر ۷۰۰ هکتار است که بیش از ۴۰۰ هکتار از این مقدار را باغات تشکیل می‌دهند.

این شهر کوهستانی است و در اقلیم گرم خشک فلات مرکزی ایران واقع شده و متوسط بارندگی آن در سال، ۱۸۰ میلی‌متر است. سرانه فضای سبز برای هر شهروند، بدون در نظر گرفتن باغات در نراق، ۳۰ مترمربع است که دو برابر استاندارد شهرهای ایران به‌شمار می‌رود. پیشینه غنی تاریخی نراق در مدیریت منابع آب و استفاده از قنوات، باعث شده است که این شهر با وجود داشتن منابع آبی محدود، باغات فراوانی داشته باشد؛ چنان‌که اغلب جهانگردان و نیز با دیدن این شهر تاریخی، به این نکته اذعان داشته‌اند که نراق داری آبی کم، ولی باغات فراوان است.

از قرن سیزدهم میلادی، بعد از استقرار حکومت مغول‌ها، جاده فرهنگی و تجاری ابریشم شکل تازه‌ای به خود گرفت و نراق که به لحاظ جغرافیایی، بین شهرهای بزرگ تاریخی این جاده از جمله ری، قم قزوین همدان، کاشان و اصفهان قرار گرفته بود، از درجه اهمیت تجاری خاصی برخوردار شد؛ به گونه‌ای که جهانگرد بزرگ عصر ناصرالدین شاه قاجار، حاج سیاح محلاتی (وفات ۱۹۲۵)، در کتاب خاطرات خود، نراق را به نام «هند کوچک ایران» معرفی می‌کند. در شهر تک بناهای تاریخی با قدمت هزارساله، هفتصدساله، چهارصدساله و درنهایت، ۲۵ هکتار بافت تاریخی دوره قاجار با قدمت ۲۰۰ سال وجود دارد که می‌توان گفت ساختار معماری آن از معماری شهرهای حاشیه کویر، به خصوص دو شهر کاشان و یزد، الهام گرفته است. نراق در گذشته، بخش کوچکی از حوزه تمدنی سیلک (کاشان) بوده است؛ این تمدن قدیمی‌ترین تمدن ایران باستان بعد از تمدن جیرفت کرمان در فلات مرکزی است. رومن گیرشمن، محقق برجسته فرانسوی، سه فصل کاوش در سال‌های ۱۹۳۳، ۱۹۳۴ و ۱۹۳۷ میلادی، روی سیلک انجام داده است. وی تاریخ این تمدن را چیزی حدود ده هزار سال تخمین زده است. فاصله مکانی این تمدن با شهر تاریخی نراق، کمتر از ۶۰ کیلومتر است.

هرچند نراق همیشه جزو شهرهای کوچک ایران بوده، شهرت عالمان و اندیشمندان آن، فراگیر و جهانی است. نراقی‌ها در ریاضیات، طب، نجوم، فلسفه، منطق، حقوق، شعر و موسیقی، اخلاق و فقه اسلامی، دانشمندان بزرگی را به جامعه بشری تقدیم کرده‌اند. ملا احمد نراقی، عالم شیعی ساکن نراق، نزدیک به ۲۵۰ سال پیش در نراق و کاشان، کرسی تدریس داشته و از وی، کتب متعدد در انواع علوم متداول آن زمان، باقی مانده است. ایشان صاحب نظریه و تئوری ولایت فقیه (حکومت عالمان) بود و کتاب‌های اخلاقی او هنوز بعد از گذشت دو بیست سال، در مراکز علمی جهان اسلام تدریس می‌شود.

\* کارشناس ارشد علوم سیاسی، شهردار شهر نراق (۱۳۸۷-۱۳۹۶)

نراق همیشه در طول تاریخ چندصدساله خود، یک شهر مهاجر فرصت به‌شمار می‌رفته و شهرهایی از جمله کاشان، همدان، قم، تهران و اصفهان، مکان‌هایی است که نراقی‌ها در آن‌ها بیشترین تمرکز را دارند. در نیم‌قرن گذشته، نراقی‌ها برای توسعه دانش خود، به سراسر جهان مهاجرت کرده و به درجات بالایی علمی و اقتصادی رسیده‌اند. انگلستان یکی از کشورهایی است که بیشتر مقصد مهاجرت نراقی‌ها بوده و اکنون بیش از صدها متخصص و دانشمند و تاجر نراقی در لندن وجود دارد که از خانواده‌های بزرگ نراقی‌ها هستند و سرمایه اجتماعی یک شهر کوچک به‌شمار می‌روند.

### شروع تحولات نوین در مدیریت شهری

اینجانب در سال ۱۳۸۷، در مقام شهردار شهر تاریخی نراق انتخاب شدم. در آن زمان، با داشتن سابقه دوازده سال کار مطالعاتی روی پیشینه مردم‌شناسی، تاریخ، معماری، جغرافیای شهری و... در نراق، به‌خوبی می‌دانستم که با یک شهر ویژه و کاملاً منحصر به فرد روبه‌رو هستم؛ شهری که ظرفیت‌های فراملی جهانی و شرایط خاص خود را دارد. در مطالعات تحقیقی خود، دریافته بودم که طی صدها سال گذشته، اغلب بزرگان شهر به دلایل متعددی، زمین‌ها و خانه‌های پدری خود را رها و مهاجرت کرده بودند و ارتباط آن‌ها با این کانون فرهنگی قطع شده بود. شهری که در گذشته نه‌چندان دور، بیشترین ظرفیت تاب‌آوری شهری را در تمامی ابعاد داشت و بحران‌های متعدد تاریخی از جمله مغول‌ها تا حمله افغان‌ها، چند دوره شیوع وبای عمومی، زلزله، سیل، خشکسالی و قحطی، اختلافات مذهبی فرقه بابی و بهایی و آشوب‌های منطقه ناشی از ضعف حکومت ملی را پشت سر گذاشته و همچنان به حیات خود ادامه داده بود، اکنون به کمترین توان خود به‌ویژه در بُعد اجتماعی رسیده بود. زیرا حس تعلق خاطر به زادگاه در بین ساکنان آن کاهش یافته، جمعیت به ۲۵۰۰ نفر رسیده، اقتصاد شهر دچار مشکلات اساسی شده بود، خدمات شهری در پایین‌ترین سطح ممکن خود قرار داشت و از همه بدتر، هیچ رونق و حیاتی در ۲۵ هکتار بافت تاریخی شهر وجود نداشت. تقریباً ۱۰ درصد جمعیت شهر که آن را هم سالمندان تشکیل می‌دادند، در این بخش ساکن بودند و روند تخلیه این بخش، هر روز با سرعت بیشتری صورت می‌گرفت. قیمت زمین و خانه‌های تاریخی در این منطقه از شهر که اصالت تاریخی و فرهنگی داشت، به‌شدت در حال کاهش بود و هیچ فعالیت اقتصادی در بافت تاریخی که هسته اصلی شکل‌گیری شهر بود، انجام نمی‌شد. شهروندان ساکن کمترین مشارکت مدنی را از خود نشان می‌دادند و همه چیز در رکود و سکون به‌سر می‌برد. دولت مرکزی به‌دلیل مشکلات مالی نمی‌توانست کمک شایانی به شهر و شهرهای مشابه آن بکند و بدین‌سبب، آثار تاریخی و فرهنگی که نشانگر هویت نراق و نراقی‌ها بود، در معرض خطر و بعضاً نابودی کامل بود.

### لزوم تعریف یک استراتژی مناسب

اولین گام در هر مدیریتی، تعریف و پیاده‌سازی یک استراتژی غیررقابتی مبتنی بر استعدادهای درونی است. یک استراتژی که بتوان با آن، هم شهر را از رکود و رخوت نجات داد و هم توسعه پایدار را برای آن در تمامی ابعاد رقم زد؛ مدل پایدار مدلی از توسعه است که فرهنگ، ساختار جمعیتی، تاریخی، معماری، شهرسازی و طبیعت شهر را مخدوش نکند.

همه مدیران شهری، به‌دنبال یافتن روش‌هایی برای ارتقای رفاه شهر خود هستند؛ آنچه بیش از همه مشخص است، روش استراتژیک‌محوری است که باید برای رسیدن به این هدف دنبال کرد. برای شناخت بهترین چشم‌اندازهای رشد، رویکرد دقیق‌تری لازم است و به این معنی نیست که مدیران شهری باید خود را درگیر نوعی کسب‌وکار کنند، بلکه رویکرد آن‌ها باید با ارزیابی دقیقی از اینکه مزیت‌های رقابتی شهر در کجا نهفته است، شکل بگیرد. بنابراین، اولین گام بعد از تعریف استراتژی، شناسایی مزیت‌های رقابتی یک شهر است و باید نشان داد روی چه فرصت‌هایی می‌توان سرمایه‌گذاری کرد.

### مزیت نسبی نراق

با درک این واقعیت که بزرگ‌ترین مزیت نسبی شهر در دل همان تهدید فعلی (شمار زیاد نراقی‌های مهاجر و وجود یک شهر تاریخی نسبتاً متروک و رها شده با قدمت بیش از هزار سال) جای دارد، تمامی برنامه‌ها و تمرکز خود را روی

احیای سرمایه‌های اجتماعی و تاریخی شهر گذاشتم و استراتژی استفاده از صنعت توریسم را به‌عنوان محرک توسعه آتی شهر پیشنهاد دادم.

اما بزرگ‌ترین مانع بر سر راه استراتژی تعریف‌شده، عدم انسجام اجتماعی ساکنان و افرادی بود که به‌نوعی به این شهر تعلق خاطر داشتند. بنده در جایگاه یک فرد متخصص علوم ارتباطات و تحصیل‌کرده رشته جامعه‌شناسی و علوم سیاسی، به‌خوبی با مفاهیم سرمایه‌های اجتماعی آشنا بودم و موضوع را به‌وضوح درک می‌کردم که اگر بتوانیم یک انسجام اجتماعی در بین نراقی‌های داخل نراق و مهاجر ایجاد کنیم، آن‌ها دوباره شهر خود را بهتر از گذشته، بدون دخالت حکومت مرکزی خواهند ساخت؛ زیرا سابقه و تاریخ نراق نشان می‌داد تمامی رونق گذشته آن، مدیون تلاش مردان و زنان بزرگ نراق بوده نه حکومت‌های وقت در گذشته و حال.

علم برقراری ارتباط و استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی، از جمله اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، فرصتی را در اختیار ما گذاشت تا بتوانیم نراقی‌ها را در سراسر ایران و جهان شناسایی کرده و اعتماد آن‌ها را به برنامه تدوین‌شده برای آینده نراق جلب کنیم. مقدمه شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای، ایجاد اعتماد بین اعضا و رهبران یک جامعه است. نراقی‌هایی که بعضاً سه نسل قبل از شهر و دیار خود مهاجرت کرده بودند و هیچ رابطه‌ای در این سال‌ها با زادگاه خود نداشتند، برای خروج شهر از رکود بسیج شدند.

اکنون می‌توانم به‌جرات بگویم جدای از نراقی‌های مقیم دیگر شهرهای ایران، توانسته‌ایم افرادی را از قاره استرالیا گرفته تا اروپا و آمریکا که ریشه نراقی داشته و پدرانشان صدها سال پیش، نراق را ترک کرده بودند، شناسایی کرده و به‌عنوان یک شبکه انسانی منسجم سامان‌دهی کنیم تا در برنامه توسعه شهر نقش فعال داشته باشند. این افراد که سال‌ها بود شهر و دیار خود را ترک کرده بودند، اکنون به‌واسطه این پروژه، به آنجا بازگشته و در حال بازسازی آن هستند. از این‌رو، احساس تعلق خاطری که از بین رفته بود، دوباره احیا شد و همین احساس باعث ایجاد مشارکت آن‌ها در برنامه بازآفرینی شهری گردید.

### فرایند اجرایی شدن استراتژی

در سال‌های اولیه، اجرای طرح کار بسیار مشکلی بود. نمایندگان مردم در شورای شهر که بنده را در سمت شهردار خود برگزیده بودند، با دیده شک به این برنامه‌ها نگاه می‌کردند و در تصویب طرح‌ها و پروژه‌ها با احتیاط گام برمی‌داشتند. در ابتدای امر، هیچ فردی باور نداشت که بزرگ‌ترین تهدید شهر، روزی می‌تواند بزرگ‌ترین فرصت آن به‌شمار آید. حجم خرابی‌ها بسیار زیاد بود و اعتبارات و کمک‌ها بسیار ناچیز. مدیران فرادست هم تابع مدل‌های توسعه کمی و کالبدی بودند و توجه چندانی به مدل توسعه کیفی و انسانی نداشتند. ساکنان شهر هم عمدتاً تحت تأثیر تفکر مدیران ارشد، به مدل توسعه کمی فکر می‌کردند نه توسعه کیفی. کار در چنین وضعیتی که نه ساکنان و نه کارکنان و مدیران شهری و نه مسئولان فرادست، برنامه را قبول نداشتند، بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود.

اولین گام بعد از انتخاب مشاور و تهیه طرح راهبری، شروع جریان‌سازی و تبیین ابعاد استراتژی برای کارکنان و زیردستان مجموعه مدیریت شهری بود. در واقع، کار را با اقناع کارکنان خود در شهرداری شروع کردیم تا مدیران بخش‌های مختلف شهرداری با پروژه و مسائل آن آشنا شوند و در مجموعه مدیریت شهری یکصدا شویم. در جلسه‌های داخلی، ساعت‌ها بحث و گفت‌وگو روی لزوم استراتژی و انواع آن صورت گرفت. در این جلسه‌ها موضوعات متعددی از داخل و خارج کشور را ارزیابی کرده و مورد مطالعه علمی قرار دادیم. مدل‌های توسعه شهرهای ایران و شهرهای مشابه در جهان را مطالعه نموده و درنهایت، در بدنه شهرداری، به یک انسجام و باور واحد برای اجرای استراتژی غیررقابتی خود رسیدیم.

گام دوم، اقناع نمایندگان مردم در شورای شهر بود. آن‌ها برخاسته از اراده جمعی شهروندان ساکن در شهر بودند؛ چون دیگر نراقی‌های سراسر ایران و جهان در انتخاب آن‌ها نقشی نداشتند. آن‌ها هم نخست فقط به توسعه کمی و کالبدی توجه می‌کردند. نگاه آن‌ها برای توسعه، همان مدل اتفاق‌افتاده در شهرهای بزرگ کشور بود. آن‌ها برای پیشرفت و رفع مشکلات شهر، فاقد هر گونه استراتژی و تاکتیک بودند. سطح توقعات شهروندان به‌شدت محدود

بود. انتقال مفاهیم توسعه پایدار و لزوم اجرای استراتژی انسجام اجتماعی به آنها، به دلیل جایگاه و مقام آنها، کاری به مراتب سخت تر از انتقال به کارکنان و زیردستان بود. جلسه‌های متعددی برگزار شد، از مشاوران و متخصصان مختلف برای تشکیل کارگاه دعوت کردیم، بازدیدهای زیادی از شهرهای موفق داخلی ترتیب داده شد و در نهایت، اقناع لازم برای حمایت از پروژه ایجاد شد.

در مرحله سوم، به سراغ رهبران عقاید و گروه‌های فعال در سطح شهر رفتیم. از سن مهد کودک تا دانش‌آموزان و دانشجویان و کارمندان و حتی افراد میان‌سال شروع کردیم به تبلیغ و تشریح برنامه در سطح محلات. سخت‌ترین مرحله کار همین بخش بود؛ زیرا ما باید پیچیده‌ترین مفاهیم روز شهرسازی و توسعه پایدار را به زبانی کاملاً غیرتخصصی بیان می‌کردیم تا برای عموم شهروندان قابل درک باشد. تمامی محتواها و مطالبی که در این دوره تهیه شد، الزاماً مبتنی بر فرهنگ و تاریخ غنی شهر بود تا بتوانیم مجدداً شهر آرمانی و مدینه فاضله را در ذهن ساکنان شهر، به خصوص نسل جوان که تصویر ذهنی از نراق در صد سال گذشته نداشتند و تنها یک سری بنا از آن دوره به یادگار مانده بود، ترسیم کنیم. با تمام مشکلاتی که این بخش داشت، چون به آینده کار ایمان راسخ داشتیم، عمل اقناع انجام و بیشترین سطح مشارکت شهروندان در پیشبرد پروژه، به نمایش گذاشته شد. در این مرحله از کار، به یک بسیج عمومی برای مشارکت در ساخت شهر دست یافته بودیم، ولی این کافی نبود؛ چون طبق برآورد ما ۲۰ درصد از نراقی‌ها در نراق زندگی می‌کردند و هنوز ۸۰ درصد آنها وارد پروژه انسجام‌بخشی اجتماعی که محرک توسعه بود، نشده بودند. در این صورت، نیاز داشتیم از تمام توان و نیروی خود برای به حرکت درآوردن کشتی توسعه پایدار استفاده کنیم. کشتی به‌گل‌نشسته توسعه با توان همان ۲۰ درصد ساکنان شهر به راه افتاد و کم‌کم از حالت سکون خارج گردید. سکوت حاکم بر شهر که بیش از نیم‌قرن طول کشیده بود، شکسته شد. اکنون ساکنان و کسانی که از بیرون به شهر می‌نگریستند، می‌دیدند که در رگ‌های شهر، خونی تازه جاری شده و شهر جانی تازه گرفته است. در طول مسیر توسعه، نراقی‌های دیگر شهرها را نیز که سال‌ها بود شهر را ترک کرده و حتی به خارج از کشور رفته بودند، با خود همراه کردیم. اکنون بعد از ده سال، افراد بسیاری بر این کشتی سوار شده‌اند، ولی هنوز تا رسیدن به حد مطلوب خود نیاز به زمان داریم؛ البته راه، مشخص و روشن است.

### نتیجه به دست آمده از اجرای این استراتژی

محصول پیاده‌سازی این استراتژی، یکپارچگی اجتماعی و فرصت‌سازی یکسان برای همه، در احیا و آبادانی شهری بود که به آن تعلق خاطر داشتند. اکنون شهر نراق در یک برنامه ده‌ساله، به یک شهر ویژه در ایران تبدیل شده که شورای عالی شهرسازی و معماری، به‌عنوان بزرگ‌ترین مرجع تهیه‌کننده طرح‌های توسعه شهری، لزوم تهیه طرح جامع ویژه برای این شهر در ایران را تصویب کرده است. در سال ۲۰۱۴، به دعوت یو ان هبیتات، با عنوان شکوفایی شهری به اجلاس جهانی شهرهای اسلامی (وین اتریش) دعوت شدیم و در سال ۲۰۱۵ توانستیم جایزه بزرگ‌ترین مسابقه کیفیت پروژه‌های شهری را از وزارت راه و شهرسازی ایران دریافت کنیم. امیدواریم در ده سال آینده، نراق تاریخی بتواند به یک شهر شاخص جهانی با تاب‌آوری بالقوه در همه ابعاد تبدیل شود و گذشته پررونق خود را بازیابد.